



استقلال و ناکامی امروز به بهای خوشبختی فردا

بازگشت استراماچونی؛ تکیه بر باد



علی مغانی

Ali Moghani

هواداران فوتبال در ایران، بسیار بخشنده و در عین حال خوشبین هستند. آنها به سادگی اشتباهات گذشته بازیکنان و مربیان را می‌بخشند و وقتی به گذشته نگاه می‌کنند، ترجیح می‌دهند نیمه پر لیوان را ببینند. دقیقاً مثل اتفاقی که این روزها در پروژه بازگشت آندره‌آ استراماچونی به استقلال، در جریان است. همه می‌دانیم استراماچونی از بدقولی‌ها، بی‌تدبیری‌ها و دروغ‌ها به تنگ آمد و استقلال را رها کرد اما این را هم می‌دانیم که او هیچ‌گاه منافع شخصی خودش را فدای موفقیت تیم نکرد. در حالی که استقلال بعد از ۱۳۰۰ روز در لیگ صدرنشین شده بود و آماده می‌شد که طلسم ناکامی‌های ۶ ساله‌اش را بشکند، استراماچونی چند ساعت قبل از بازی با پیکان، به خاطر دریافت نکردن دستمزدش، چمدان‌ها را بست و ایران را ترک کرد.

استقلال ۳ هفته بدون مربی، لیگ را ادامه داد. حتی وقتی نهادهای غیرمرتبط با فوتبال مثل بانک مرکزی و وزارت امور خارجه هم وارد میدان شدند تا حقوق این مربی

در ایتالیا پرداخت شود، باز هم استراماچونی حاضر به بازگشت نشد و ترجیح داد باقیمانده قراردادش را از طریق شکایت در فیفا طلب کند. نتیجه این قهر ادامه‌دار، متوقف شدن مقابل پیکان، شکست خانگی برابر ماشین‌سازی و از دست رفتن رویای ادامه صدرنشینی در لیگ بود.

استراماچونی اولین مربی شاغل در فوتبال ایران نبود که پرداخت حقوقش به تأخیر می‌افتاد. اساساً بدحسابی در الگوی فوتبال ایران، یک امر مرسوم است اما او در مقطعی تیم را تنها گذاشت که جایگزین کردن سریع یک مربی برای باشگاه استقلال غیرممکن بود. در این ماجرا، نیمه خالی لیوان، بی‌تعهدی استراماچونی به مجموعه بود و نیمه پر لیوان، تیم فوق‌العاده‌ای که ساخته بود. امروز، آنچه در ذهن هواداران نقش بسته همان بردهای پیاپی و رسیدن به صدر جدول است، نه تصمیم ناگهانی این مربی برای رفتن.

هشتگ «استراماچونی را برگردانید» که این روزها در شبکه‌های اجتماعی توسط استقلالی‌ها ترند می‌شود، شعار امروز و دیروز نیست.

در واقع از آذر ۹۸ که این مربی به ایتالیا بازگشت، آرزوی بخش بزرگی از هواداران همین بود. آنها هیچ راهکار دیگری برای موفقیت و پایان دادن به سلطه ۴ ساله تیم رقیب در لیگ سراغ ندارند و درست یا غلط، تصور می‌کنند راه سعادت استقلال تنها با بازگشت استراماچونی هموار

می‌شود. در این ماه‌ها، مدیرانی که در استقلال قدرت گرفته‌اند، ذائقه هواداران را به خوبی متوجه شده‌اند و می‌دانند وعده «بازگشت استرا» تا چه اندازه روی محبوبیت آنها تأثیر مثبتی دارد. به کانال‌ها و صفحه‌های هواداری در شبکه‌های اجتماعی نگاه کنید؛ کمتر کسی است که به خاطر شکست در جام حذفی، انتقادی داشته باشد. اقلیت معدودی از اینکه استقلال فقط با ۶،۵ بازیکن اصلی برای حضور در لیگ قهرمانان آسیا تمرین می‌کند، اظهار نگرانی می‌کنند. حفظ مهره‌های کلیدی فصل گذشته، مطالبه اصلی هواداران نیست و همه اینها تحت تأثیر رویای «بازگشت استرا» به فراموشی سپرده شده. در واقع استقلال «امروز» خود را فدای «فردای» نیامده کرده. امروز ناکام می‌شود تا شاید فردا با استراماچونی به خوشبختی برسد.

یک هفته است که مدیران استقلال بی‌توجه به قانون سازمان لیگ، وعده استخدام استراماچونی را می‌دهند. نکته جالب اینکه به رسانه‌های هواداری اینطور القا می‌کنند که هیچ مشکلی برای بازگشت مربی محبوبشان وجود ندارد، الا همین قانون ممنوعیت استخدام خارجی‌ها! یعنی اگر این محدودیت مرتفع شود، همین فردا استرا با استقلال قرارداد می‌بندد. در خلال این ماجرا، افسانه‌های موهومی هم مدام نقل می‌شود؛ مثلاً «اگر استراماچونی برگردد، استقلال از پرداخت غرامت به او خلاص می‌شود». اهالی

فن خوب می‌دانند که این گزاره درست و فقط در صورتی استراماچونی حاضر به تخفیف (و نه بخشیدن کامل) غرامت است که قرارداد دوساله جدیدی با او منعقد شود که قرارداد جدید نسبت به رقم قبلی، حدود ۴۰ درصد افزایش قیمت دارد. به زبان ساده‌تر، استراماچونی دریافت غرامت یک میلیون و ششصد هزار یورویی را به هفتصد هزار دلار تقلیل می‌دهد اما به شرطی که قرارداد یک میلیون و هشتصد هزار یورویی جدید با او امضا شود. طعنه‌آمیز اینکه استقلال با پنجره‌های بسته نقل و انتقالاتی، حتی توان ثبت قرارداد استخدام بازیکنان جدید را ندارد و باید تا چند روز دیگر بدهی ۵۵۰ هزار دلاری شفر را پرداخت کند تا مشمول محرومیت‌های سنگین‌تر نشود اما مدیران باشگاه در نهایت خوشبینی از تأمین منابع مورد نیاز برای استخدام مربی ایتالیایی صحبت می‌کنند.

در اینکه وعده بازگرداندن استراماچونی به استقلال، صرفاً پروژه تبلیغاتی است یا یک اتفاق قابل تحقق، باید چند روز دیگر صبر کنیم اما از نشانه‌ها اینطور برمی‌آید مدیران استقلال بازی خطرناکی را در پیش گرفته‌اند. همین هوادارانی که امروز در شبکه‌های اجتماعی هشتک می‌زنند، در صورت شکست این عملیات، هشتک استعفا و اخراج و برکناری را داغ می‌کنند. اگر استراماچونی و استقلال به هم نرسند، این بازی بازنده‌های زیادی خواهد داشت.

جادوی فوتبال، به روزرسانی همیشگی

ایمان موتامنی

Iman Motameni

جادوی فوتبال این است که خودش خودش را به روزرسانی یا آپدیت می‌کند. روزگاری تونال فوتبال هلندی جذابیت فوتبال بود و بعد از آن جوگا بونیتو برزیلی با رهبری تله سانتانا. روزگاری هم دفاع ۳ نفره ایتالیایی و آلمانی نتیجه‌بخش بود. روزگاری نیز سیستم مبتنی بر دفاع و ضدحمله که مورینیو و اتو ره‌هاگل با آن قهرمان اروپا شدند.

دوران تیکی تاکا

پپ گواردیولا با استفاده از تیکی تاکا، سعی بر معرفی سبکی متفاوت در فوتبال روز دنیا داشت، سبکی که با پاسکاری‌های پرشمار، حریف را خسته می‌کرد تا بالاخره دژ دفاعی حریف را با فراری یکی از مدافعان کناری یا وینگرها به هم بزنند و به گل برسند. بارسلونا با همین روش سه گانه را کسب کرد و اسپانیا با همین روش نیز به دو بار قهرمانی اروپا و یک بار قهرمانی جام جهانی رسید.

گگن پرس

اوایل دهه ۲۰۱۰ بود که ضد تاکتیک تیکی تاکا به فوتبال عرضه شد. گگن پرس که در فوتبال دنیا مرسوم شد، به سختی می‌شد از عقب بازیسازی کرد. تعریف گگن پرس این بود که تیمی که مالکیت توپ را از دست می‌دهد، به جای بازگشت به زمین خودی، دفاع را از همان لحظه شروع کند و با پرس شدید مجدداً مالکیت توپ را پس بگیرد. بهترین مجری این روش هم یورگن کلوپ به همراه بوروسیا دورتموند

بود که حریف مقتدری برای بایرن مونیخ شد و دو بار پیاپی قهرمانی بوندس لیگا را به دست آورد. آنها حتی به فینال لیگ قهرمانان هم رسیدند اما در آنجا مغلوب یوب هاینکس یک مربی کارگشته و صاحب سبک آلمانی دیگر شدند.

جام جهانی ۲۰۱۴ که از راه رسید، آلمان با استفاده از همین گگن پرس که جواب خود را داده بود، فشار حداکثری روی مدافعان و هافبک‌های حریف ایجاد کردند. صحنه گل چهارم آلمان در دیدار نیمه نهایی مقابل برزیل را به یاد بیاورید. تونی کروس گل سوم را در دقیقه ۲۴ به ثمر رسانده بود، دوربین تلویزیونی هنوز روی هافبک گلزن ژرمن‌ها زوم کرده بود که برزیلی‌ها بازی را آغاز کردند، تونی کروس با پرس از همان یک سوم دفاعی حریف، فرناندینیو را وادار به اشتباه کرد و با یک و دو با سامی خدیرا، برای بار چهارم دروازه برزیل را باز کرد.

فلیک، صاحب سبک در فوتبال دنیا

جام جهانی با قهرمانی ژرمن‌ها به پایان رسید اما کمتر کسی به یاد آورد که دستیار یواخیم لو به مدت هشت سال چه کسی بود. هانسی دیتر فلیک بازیکن سابق بایرن مونیخ مغز متفکر مناشافت بود. مربی‌ای که سبک گگن پرس را از کلوپ الهام گرفته بود و با رفتن آلمان ضعف تاکتیکی شدیدی داشت که در نهایت روی به تیکی تاکا آورد و نتیجه آن هم حذف از دور اول جام جهانی ۲۰۱۸ بود.

تکامل سبک فلیک، فعلاً بدون نام

حالا بعد از شش سال، هانسی فلیک بعد از مدت‌ها دستیار به مرد اول نیمکت تبدیل شده است. او ایده‌های خود را به تکامل رسانده و می‌شود او را صاحب سبک در فوتبال روز دنیا دانست. سبک هانسی فلیک ترکیبی است از گگن

پرس یورگن کلوپ و تیکی تاکای گواردیولا. آنها هنگامی که توپ دارند با بالاتر آمدن خط دفاعی تا میانه زمین، شعاع حرکتی حریف را کمتر می‌کنند، آنها با پاس‌های کوتاه در یک سوم دفاعی حریف سعی در یافتن روزه‌ای برای عبور از خط دفاعی حریف دارند، همان تیکی تاکای گواردیولا اما وقتی آنها توپ ندارند با گگن پرس سعی در رسیدن به دروازه حریف در کوتاه‌ترین زمان ممکن می‌کنند. در سیستم فلیک، وینگرهایی نظیر پریشیچ، گنابری، کومان و کوتینیو روی مدافعان کناری فشار می‌آورند، لواندوفسکی و مولر روی مدافعان میانی و تیاگو و گورتزکا روی هافبک‌های بازساز. به این روش تیم مقابل برای رهایی از پرس وادار به دفع توپ می‌شود، حالا قسمت دوم پلن فلیک از راه می‌رسد، حضور بواتنگ، سوله و آلابا با قدرت بازیسازی بالا، باعث می‌شود پاس‌های سالمی به هافبک‌ها و وینگرها برسد تا آنها با صرف کمترین وقت با انتشار در زمین حریف به دروازه حریف یورش ببرند و با پاس‌های رو به عقبی که برای موج دوم حمله ارسال می‌شود، دروازه حریفان را به توپ ببندند. نکته‌ای که نباید از آن غافل شد عطش سیری‌ناپذیر بازیکنان در این سیستم است، چه هنگامی که تیم ملی آلمان برزیل را با هفت گل در هم می‌کوبد، چه زمانی که بارسلونا را با هشت گل تحقیر می‌کند، هیچ‌گاه بازیکنان تیم هانس فلیک پا پس نمی‌کشند، بازی را کنترل نمی‌کنند و بی‌رحمانه به حریف می‌تازند. آمادگی بدنی و ذهنی بالا، دوندگی و اصرار بر تکرار یک تاکتیک لازمه‌های اجرایی کردن این سبک است. مونیخی‌ها با همین روش زنده ۱۰۰ گل در ۳۴ بازی بوندس لیگا بودند، در ۱۱ بازی لیگ قهرمانان ۴۳ گل زدند، هر ۱۱ بازی خود را بردند و در نهایت دومین سه‌گانه خود را جشن گرفتند اما سؤال اصلی اینجاست، این سبک تا چه زمان می‌تواند جوابگو باشد؟ چه زمانی ضد تاکتیک آن ساخته می‌شود؟ دیر یا زود این اتفاق خواهد افتاد، به جادوی فوتبال ایمان بیاوریم.